



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol. 3, No.1, Spring 2024



Rational Analysis of Intermediaries in Islamic Philosophy with Emphasis on the View of Allama Tabatabai

**Seyed Reza Mousavi¹, Rouhollah Khodadadi², Mostafa
Khodadadanjad³, Mohammad Mahdi Khodadadi⁴**

¹⁻²⁻³Assistant Professor of Islamic education, Department of Islamic education,
School of Medicine Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

⁴ student of Farhangian University, Ahvaz, Iran

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
07/10/2023
Accepted:
04/02/2024

The discussion of intermediaries between the Necessary and the Possible has been one of the most fundamental issues in Islamic philosophy, and philosophers have discussed this issue in detail in many places. According to the Shi'a theory, the discussion of intermediaries does not contradict the unity of actions and lordship; rather, it is the essence of unity. God (according to the verses of the Quran) has created these intermediaries himself and performs his actions through them so that the structure of the universe is understandable and comprehensible for humans. The discussion of intermediaries and their role in the world and the relationship of their influence with God's agency has many benefits. Many of the objections of the Wahhabis and those who follow the Wahhabi school of thought can be resolved by explaining and clarifying this discussion. The reason why the Wahhabis say why we should turn to intermediaries when there is God Almighty, and why we should turn to anyone other than God at all, is that they have not resolved the discussion of intermediaries and their role in the world from the perspective of verses, narrations and reason for themselves. In this library research, which uses the method of content analysis to analyze the data, by explaining the role of intermediaries from the perspective of Islamic philosophy and with an emphasis on the views of Allama Tabatabai (RA), we analyze and explain the foundation and basis of the discussion of mediation, which is the foundation of many.

Keywords: *Rational analysis, intermediaries, Islamic philosophy, Allama Tabatabai*

***Corresponding Author:** Roohallah Khodadadi

Address: Assistant Professor of Islamic education, Department of Islamic education,
School of Medicine Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran.

E-mail: khodadadi-r@ajums.ac.ir



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی
کاوش های عقلی



تحلیل عقلی واسطه ها در فلسفه اسلامی با تاکید بر دیدگاه علامه طباطبایی

سیدرضا موسوی^۱، روح اله خدادادی*^۲، مصطفی خدادادنژاد^۳، محمد مهدی خدادادی^۴

^{۱-۲-۳} استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور

اهواز، اهواز، ایران

^۴ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، اهواز، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	بحث واسطه ها بین واجب و ممکن از جمله مباحث مهم و بنیادین در فلسفه
مقاله پژوهشی	اسلامی بوده و فیلسوفان در جاهای متعدد این بحث را به طور مفصل مطرح کرده‌اند. بحث واسطه‌ها طبق نظریه شیعه هیچ منافاتی با توحید افعالی و ربوبی ندارد؛ بلکه عین توحید است و خداوند (طبق آیات قرآن) خود این واسطه‌ها را آفریده است و از طریق ایشان افعال خود را انجام می‌دهد تا ساختار عالم هستی برای انسان‌ها قابل درک و فهم باشد. بحث واسطه‌ها و نقش آنها در عالم و رابطه تأثیر آنها با فاعلیت خداوند ثمرات زیادی دارد. بسیاری از اشکالات و هابیان و وهابی مسلک‌ها با توضیح و تبیین این بحث حل می‌شود. دلیل این که و هابیان می‌گویند چرا با وجود خدای قادر به واسطه‌ها رو بیاوریم و چرا اصلاً به غیر خدا رو بیاوریم آن است که اینان بحث واسطه‌ها و نقش آنها را در عالم از نگاه آیات، روایات و عقل برای خویش حل نکرده‌اند. در این پژوهش کتابخانه ای که از روش تحلیل محتوا برای تحلیل داده‌ها بهره جسته ایم با تبیین نقش واسطه‌ها از منظر فلسفه اسلامی و با تاکید بر آراء علامه طباطبایی(ره)، بنیاد و اساس بحث وساطت که شالوده بسیاری از باورهای اسلامی است را تحلیل و تبیین می‌کنیم.
دریافت:	
۱۴۰۲/۰۷/۱۵	
پذیرش:	
۱۴۰۲/۱۲/۱۵	
کلمات کلیدی: تحلیل عقلی، واسطه‌ها، فلسفه اسلامی، علامه طباطبایی	

*-نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: Khodadadi-r@ajums.ac.ir

۱- مقدمه

موضوع وجود واسطه‌ها بین خدا و خلق از مباحثی است که در علوم مختلف اسلامی مورد بحث قرار گرفته است. وجود «عقل اول»، «عالم عقل یا عقول»، «عالم مثال» از مصادیق واسطه‌هایی هستند که در فلسفه اسلامی اثبات شده‌اند. وقتی ثابت شد تمام عوالم اعم از عالم مثال و عقل دارای وسایط است، دنیای مادی ما نیز از این قاعده مستثنا نیست و فعل و انفعالات این دنیای مادی نیز بر اساس نظام وسایط پابرجا است و هر فعلی در دنیای مادی گاهی چند واسطه دارد تا به فاعل هستی‌بخش برسد و انسان‌ها برای کشف قوانین دنیای مادی به ناچار باید سراغ واسطه‌های مادی و احیاناً معنوی بروند؛ مثلاً حصول علم برای انسان چند واسطه مادی دارد؛ مثل این که انسان به مدرسه می‌رود و به حرف استاد گوش می‌دهد. مغز انسان یک سری کارها انجام می‌دهد تا علم برای این شخص اتفاق بیفتد. اما حصول علم تنها بر این وسایط مادی استوار نیست؛ بلکه حقیقت علم که یک امر مجرد است، به واسطه عقل به روح انسان افزوده می‌شود. قرآن در آیات متعددی واسطه‌گری ماده برای ماده را بیان می‌کند؛ برای نمونه در سوره حج آمده است: انزل من السماء ماء فتصبح الارض مخضرة (سوره حج (۲۲) آیه ۶۲) «خداوند آب را از آسمان نازل کرد و به واسطه آن زمین سبز شد» واسطه‌گری آب برای سبز شدن زمین بیان شده است که انسان می‌تواند با تحقیق این نکته به دستاوردهای جدید علمی دست یابد و اصلاً اعتقاد به این که نظام عالم و از جمله نظام عالم مادی بر واسطه‌ها استوار است زمینه را برای کشف دقیق و لطایف علمی آماده می‌کند؛ همان طور که هم‌اکنون نظام فکری دانشمندان علوم طبیعی بر این حقیقت استوار است.

واسطه‌ها در فلسفه اسلامی

۱. وساطت عقل

فلاسفه عقل اول را با صادر اول تطبیق داده و درباره صادر اول سخنان زیادی گفته‌اند. از جمله مباحث آنان در این باره، بحث وساطت صادر اول است که همان چیزی است که در روایات ذکر شده است؛ یعنی تمام خلق از آن به وجود آمده است. صدر المتألهین در **مشاعر** می‌گوید: «الصادر الاول هو اصل وجود العالم و حیاته و نوره الساری فی جمیع ما فی السماوات و الارضین (صدر الدین شیرازی، ۵۱۴۲۰، ۸۷)؛ صادر اول، اصل وجود عالم و حیات و نوری است که در تمام آسمان‌ها و زمین‌ها جاری است».

علامه طباطبایی (ره) در **نهایة الحکمه** می‌فرماید: «الصادر الاول الذي يصدر من الواجب تعالی عقل واحد هو اشرف موجود ممکن و اذ كان اشرف و اقدم في الوجود فهو عله لما دونه و واسطة في

الایجاد (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۳۸۱)؛ صادر اولی که از واجب صادر می‌شود، یک عقل است که اشرف موجودات ممکن است و از آنجا که اشرف و اقدم موجودات در وجود است، پس آن، علت مراتب پایین و واسطه در ایجاد آنها است.»

این مطلب را مرحوم ملاهادی سبزواری نیز بیان می‌کند: «الصادر الاول، المصدر للجمیع و واسطة الجود و رابطة الخلق بالمعبود؛ صادر اول مصدر و منبع تمام موجودات و واسطه بخشش خداوند به موجودات و ارتباط خلق به خداوند است (سبزواری، بی تا، ۴۹)». این نکته را شیخ رئیس ابن سینا و شیخ ابوطالب مکی در کتاب **قوت القلوب** و محیی‌الدین عربی در اول کتاب **سبحة الحق** بیان فرموده‌اند. (ابن عربی، بی تا، ۹۳، ۱). با توجه به توضیحات ما از روایات و کلمات عرفا و فلاسفه، روشن شد که عقل یا صادر اول واسطه در ایجاد تمام عالم است.

در روایات زیادی به واسطه‌گری عقل تصریح شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «ان اول ما خلق الله العقل (صدوق، ۱۴۱۳ق، ۳۶۹، ۴)؛ اول چیزی که خدا خلق کرد عقل است». در این روایت، مراد از عقل را چه صادر اول بگیریم و چه حقیقت روح پیامبر اکرم (ص) و چه عقل به معنای قوه مفکره که همه انسان‌ها آن را دارند، یک شیء مجرد است که واسطه در برخی از اعمال و وجودات خواهد بود. در روایتی از امام باقر (ع)، آمده است: خداوند از اولین خلق خود تمام اشیا را پدید آورد. این روایت به واسطه‌گری عقل در آفرینش عالم اشاره دارد. (کلینی، ۱۳۸۳ق، ۸، ۹۴)

۲. عالم عقل:

این عالم فوق عالم مثال از لحاظ وجود است (اشرف و اقدم از آن است) که در آن حقایق اشیا و کلیت آنها بدون ماده طبیعی و بدون صورت وجود دارد و بین عالم عقل و عالم مثال یک رابطه سببیت وجود دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱، ۲۷۱). صاحب **نهایة الحکمه** آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «عالم التجرد عن المادة و آثارها و یسمی عالم العقل (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۳۰۴)؛ عالمی که جدا از ماده و آثار آن است که عالم عقل نامیده می‌شود». اکنون سخن این است که این عالم به عنوان واسطه چه نقشی دارد؟ فیلسوفان اسلامی هنگام بحث از عالم عقل می‌گویند این عالم اشرف و اقدم از عالم مثال است و وجودی شدیدتر و قوی‌تر از عالم مثال دارد؛ به عبارت دیگر، هر چیزی در عالم مثال، مرتبه‌اعلائی آن در عالم عقل موجود است؛ زیرا عالم عقل، علت وجودی عالم مثال است و علت، تمام کمالات معلول خود را در حد اعلی دارد (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۳۷۹) (شیرازی، ۱۳۸۳ق، ۴، ۵۰۴) (سبزواری، بی تا، ۵۲).

پس وقتی وجود عالم عقل اشرف و اقدام از عالم مثال شد، در نتیجه آن، علت فاعلی و وجودی عالم مثال خواهد بود؛ یعنی یک نسبت و رابطه علیت و سببیت بین این دو عالم وجود دارد؛ همان‌طور که علامه طباطبایی (ره) به

این مطلب اشاره دارند: «و له نسبة السببية لما في عالم المثال (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ۱۱، ۲۷۱)؛ عالم عقل با آنچه در عالم مثال وجود دارد يك رابطه سببیت دارد».

۳. عالم مثال:

حکما در تعریف عالم مثال گفته‌اند: این عالم بین دو عالم عقل و عالم ماده قرار دارد؛ لذا به آن عالم برزخ هم می‌گویند و آن مرتبه‌ای از وجود است که جدا از ماده است؛ ولی آثار ماده مثل کم، کیف، وضع و اعراض را دارد و علت فاعلی آن، مرتبه نازل‌تر عالم عقول است که مشائین آن را عقل فعال می‌نامند و نزد اشراقیین بعضی از عقول عرضیه است (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۳۸۷).

گفتیم این عالم نیز یکی از واسطه‌ها است و اکنون می‌گوییم آن، واسطه در وجود عالم ماده است؛ چون علت وجودی آن است و هر چیزی در عالم ماده، مرتبه‌های آن در عالم مثال وجود دارد. علامه طباطبایی (ره) در این باره می‌فرماید: «عالم المثال علة مفيضة لعالم المادة (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۳۸۰)؛ عالم مثال علت فیض‌دهنده یا وجودی عالم ماده است». در نتیجه عالم مثال واسطه در وجود و هستی عالم ماده است.

۴. عقل فعال

از جمله مباحث دقیق در مبحث علم، عالم و معلوم، بحث افاضه‌کننده صورت‌های علمی است. به عبارت دیگر همه انسان‌ها کسب علم می‌کنند و علوم مختلفی را فرا می‌گیرند و در جای خود اثبات شده است که این علوم مجرد هستند نه مادی (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۲۳۷). حال که علم مجرد است باید مفیض آن نیز مجرد باشد (شیء مادی نمی‌تواند افاضه‌کننده وجود مجرد باشد)؛ لذا باید يك موجود مجردی وجود داشته باشد که علم از طریق او و به واسطه او بر انسان افاضه شود. فلاسفه در بحث مذکور اثبات کرده‌اند که آنچه علم را بر انسان افاضه می‌کند يك جوهر عقلی جدا از ماده است و تمام صور عقلیه کلیه نزد اوست. مفیض این صور، یا خود نفس است که هم افاضه می‌کند و هم دریافت، که این باطل است؛ یا چیزی خارج از نفس است، که این وجود یا مادی است یا مجرد، و چون علم مجرد است نمی‌تواند مفیض آن مادی باشد؛ لذا باید افاضه‌کننده علم، يك موجود مجرد باشد که به اصطلاح به آن «عقل فعال» می‌گویند (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۲۴۹). عقل فعال در اینجا نقش واسطه‌گری بین انسان و عوالم بالا را دارد.

فلاسفه اسلامی در بحث علم و حصول آن می‌گویند علمی که برای ما حاصل می‌شود مجرد از ماده است؛ چون اگر مادی بود باید با تغییر مغز و از بین رفتن سلول‌های آن و تحول آن، علم نیز از بین برود یا تغییر کند؛ در حالی که يك بچه کوچک وقتی مطلبی در کودکی یاد گرفت آن را تا آخر عمر حفظ می‌کند و به یاد می‌آورد (دلایل دیگری نیز در کتب مفصل آمده است که ما به آنها نمی‌پردازیم). از سویی چون این علوم مجردند، باید مفیض و معطی آنها هم مجرد باشد. از سویی دیگر مفیض اینها یا باید نفس باشد که هم افاضه و هم دریافت کند، که

این امر محال است؛ چون شیء واحد نمی‌تواند فاعل و قابل باشد؛ و یا مفیض این علم باید خارج از نفس باشد و نمی‌تواند مفیض این علوم یک شیء مادی باشد؛ چون ماده ضعیف‌تر از مجرد است و صور علمیه که مجردند را باید یک موجود مجرد افاضه کند. پس مفیض این صور علمی یک جوهر مجرد عقلی است. با توجه به این برهان عقلی درمی‌یابیم علوم بشر که مفیض واقعی آنها خداوند است به واسطه عقلی مجرد بر انسان افاضه می‌شوند.

اشکال:

صحیح است که مفیض این صور نمی‌تواند مادی باشد و باید مجرد باشد؛ اما از کجا می‌گویید مفیض، یک عقل واسطه است؟ شاید خداوند تعالی این علم را بدون واسطه افاضه می‌کند.

پاسخ:

این استدلال فلاسفه اسلامی است و در مباحث مختلف و براهین قاطع ثابت کرده‌اند بین ما و خدا موجودات و عقول آفریده شده‌اند؛ برای مثال، در بحث «الواحد» ثابت می‌کنند نخستین خلق خداوند یک عقل واحد بسیط است و پس از آن نیز عقول طولیه‌ای وجود دارد و فیض خداوند از این مجردات عبور می‌کند.

۵. مُثُل افلاطونی

مثل افلاطونی طبق تعریف حاجی سبزواری عبارت است از یک فرد مجرد عقلانی از هر نوعی که در آسمان و زمین و عالم ماده است؛ مثلاً نوع انسانی، شش میلیارد فرد مادی در زمین و یک فرد مجرد عقلانی در عالم بالا دارد که فرد همین نوع است. انسان‌های زمین مادی‌اند و آن مثال مجرد است و به اذن خداوند تعالی مری و پرورش دهنده اینها است و تمام کمالات این افراد مادی، در او به نحو اجمال و بساطت و اتم وجود دارد. به این مُثُل، ارباب انواع نیز می‌گویند؛ زیرا هر کدام از اینها به اذن خداوند تربیت افراد طبیعی نوع خود را بر عهده دارند. به این مُثُل عقول متکافئه (کفو یکدیگر) و عَرَضیه (در عرض یکدیگر) نیز می‌گویند (انصاری شیرازی، ۱۳۸۵، ش، ۳، ۳۹۷). این مثل افلاطونی یا ارباب انواع در اینجا نقش واسطه‌گری دارند و با توجه به تعریفی که از آنها شده، واسطه فیض و کمالات بین انسان و عوالم بالا تا خداوند هستند. قائلان به این نظریه برای اثبات آنها به چند دلیل استناد کرده‌اند؛ از جمله «برهان امکان اشرف» است که مفاد آن این است که وقتی موجود ممکن احسن وجود دارد، واجب است یک موجود ممکن اشرف از آن وجود داشته باشد (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ۳۱۸).

۶. وسائط مادی و قاعده علیت

واسطه مادی آن است که حقیقت وجود آن از ماده است و فقط می‌تواند اثر مادی داشته باشد. وجود وسایط مادی امری روشن و بدیهی است و نیاز به اثبات ندارد، هر چند در آیات و روایات به این نکته نیز تصریح شده است؛ مثلاً در سوره انبیا آمده است: «وجعلنا من الماء كل شيء حي»؛ «و هر چیز زنده را از آب خلق کردیم».

در این آیه شریفه به واسطه‌گری آب برای زنده بودن تمام موجودات تصریح شده است. در روایات نیز می‌توان به حدیث امام صادق (ع) استناد کرد که فرمودند: «ابی‌الله ان یجری الاشیاء الا باسباب فجعل لكل شیء سبباً ... خداوند امتناع فرموده است امور بدون اسباب به جریان بیندازد. پس برای هر چیز سببی قرار داد». مطابق حدیث خداوند تمام حوادث و امور و فعل و انفعالات را از طریق واسطه آنها انجام می‌دهد. با توجه به اطلاق کلمه «الاشیاء» و جمله «جعل لكل شیء سبباً» تمام فعل و انفعالات عالم از طریق واسطه انجام می‌گیرد. تجلی واسطه‌گری در عالم ماده، قانون علت و معلول است که هر علتی واسطه وجود معلول، و قانون علیت مبنای عقلی تمام علوم است و بدون آن بشر نمی‌توانست قوانین کلی را استنباط کند تا بر اساس آنها زندگی خود را اداره و پیشرفت کند؛ چون پیشرفت بشر در علوم انسانی و تجربی مرهون استخراج قوانین کلی از عالم طبیعت است و آن منوط به این است که عالم دارای قانون واسطه‌گری باشد؛ به عبارت دیگر، کلیت و قطعیت هر قانون علمی، مرهون قوانین عقلی و فلسفی علیت است و بدون آنها نمی‌توان هیچ قانون کلی و قطعی را در هیچ علمی ثابت کرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ش ۲، ۲۶).

بشر با وجود قانون واسطه‌گری عالم و طبیعت می‌داند باران و آب باعث سرسبزی می‌شود و هرچه تلاش او برای کسب رزق بیشتر باشد، بیشتر به مقصود خود می‌رسد. همچنین بشر از واسطه‌گری در طبیعت به نظم آن پی می‌برد و از نظم دقیق آن به خداوند و علم و قدرت او پی می‌برد؛ لذا ملاً صدراي شیرازی تأکید می‌کند مهم‌تر از این مسئله وجود ندارد (شیرازی، ۱۳۸۳، ش ۲، ۵۳۰).

کیفیت تأثیرگذاری واسطه‌ها در فلسفه اسلامی

منظور از نقش هر گونه اثرگذاری این واسطه‌ها یعنی همان تأثیر فاعلی این واسطه‌ها است. «فاعل» به حقیقت کلمه «فاعل مفیض» یا «ما منه الوجود» است که در مقابل «فاعل مُعد» (ما به الوجود) قرار دارد. البته در این رساله چون ما هم از فاعل مجرد و هم فاعل مادی (واسطه‌های مادی) سخن می‌گوئیم، مراد هر دو قسم فاعل خواهد بود. چون در سلسله وسایط هم واسطه مجرد و هم واسطه مادی وجود دارد، واسطه مجرد اثر مجرد و واسطه مادی اثر مادی دارد. بنابراین منظور ما از نقش واسطه‌ها یا تأثیر آنها، هر دو نوع تأثیر (تأثیر ایجابی و تأثیر اعدادی) است؛ چون هر دو نوع فاعل در مادون خود تأثیر می‌گذارند.

لازم به ذکر است که تأثیر و نقش واسطه‌ها همیشه از عالی به دانی است؛ یعنی همیشه فاعل و مؤثر، موجود عالی است که در موجود دانی تأثیر می‌گذارد. در بحث‌های فلسفی علت و معلول و انواع فاعل‌ها نیز ثابت شده است که مرتبه پایین‌تر از وجود نمی‌تواند در مرتبه عالی‌تر از خود تأثیر و تصرف کند، زیرا مرحله عالی‌تر همه کمالات موجود دانی را به نحو اکمل دارد. به‌خاطر همین تأثیر و فاعلیت، همیشه از عالی به دانی است (طباطبایی، ۱۴۲۲، ق ۱۷۷).

بحثی در حقیقت و ساطت ملائکه

درباره حقیقت و ماهیت ملائکه بحثی بین متکلمان و فلاسفه مطرح است. نظریه صحیح آن است که با توجه به اوصافی که قرآن برای ملائکه بیان می‌کند مثل تسبیح دائم خدا و داشتن مقام معلوم و غیر قابل تغییر و... این چنین موجوداتی نمی‌توانند مادی باشند روایات نیز این مطلب را تایید می‌کنند؛ مثلاً در حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که ملائکه چیزی نمی‌خورند و نمی‌آشامند و نکاح نمی‌کنند؛ چون ماده یا زنده است یا مرده. هر چیز مادی بخواهد زنده بماند به آب نیاز دارد. پس ملائکه که اصلاً آب نمی‌نوشند، مادی نیستند. علامه طباطبایی (ره) در المیزان بعد از ذکر صفات ملائکه از قرآن (مثل عدم مغلوبیت و کثرت، عدم معصیت، عدم نافرمانی خدا و ...) می‌فرماید: «از اینجا روشن می‌شود ملائکه موجوداتی هستند منزّه از ماده جسمانی که در معرض زوال و فساد و تغییر است و خصوصیت ماده آن است که استکمال تدریجی دارد؛ درحالی که فرشتگان این خصوصیات ماده را ندارند و از آنچه در روایات وارد شده است که ملائکه صورتی خاص و شکل جسمانی خاص دارند، آن بیان تمثیل فرشته‌ها برای ائمه (ع) است که آنها را برای مردم وصف می‌کردند. پس این که ملکی به صورت انسان تمثیل پیدا می‌کند، در حقیقت، ظهور آن ملک است برای کسی که او را در صورت انسان می‌بیند.» نکته آخر این که گاهی ملائکه واسطه در تصرف در عالم مادی می‌شوند و آن را تغییر می‌دهند، که این عمل تأثیری در عدم تجزیه آنها ندارد؛ بلکه در جای خود ثابت شده است که موجود عالی می‌تواند در موجود دانی اثر بگذارد؛ چون از جهت مرتبه وجود، بالاتر از آن است. پس می‌توان گفت ملائکه که موجوداتی مجردند می‌توانند در ماده مؤثر باشند و نقش مادی ایفا کنند.

نقد دیدگاه وهابیت در واسطه‌گری برخی وسائط

وهابیان به دلیل شاکله فکری خاص و بسته و دیدگاه تنگ درباره آیات و روایات و عدم اجتهاد و جمع بین ادله، گرفتار مغالطه‌های زیادی در بحث واسطه‌ها شده‌اند که اگر روش تفکر و دیدگاه اینان درباره آیات و روایات دقیق و عمیق شود و در موضوعات مورد بحث، بین ادله جمع کنند، این مسئله از لحاظ علمی برای اینان قابل فهم خواهد بود. اکثر اشکالات وهابیان در زمینه واسطه‌ها درباره واسطه‌گری اهل بیت (ع) در موارد مختلف است و این اشکالات به خاطر يك مبناي اشتباه است که مقامات غیبی انبیا و اهل بیت (ع) برایشان قابل درک نیست و ایشان را به زندگی مادی محدود کرده‌اند و حقیقت ایشان را مثل انسان‌های دیگر می‌دانند؛ لذا هر آیه و روایت مربوط به مقامات عالیه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را انکار یا توجیه می‌کنند و با يك استدلال سطحی آنان را معارض قرآن می‌خوانند.

ابن تیمیه (بنیانگذار فکری وهابیت) در ردّ واسطه‌گری اهل بیت (ع) در رزق و حاجت، برهان قابل تأملی به این شرح، ذکر می‌کند: کسی که اولیا را مانند حاجب‌های بین پادشاه و رعیت، واسطه‌هایی بین خدا و خلق می‌داند، به طوری که این واسطه‌ها حوائج خلق را به محضر خدا می‌برند و خداوند بندگان را توسط این واسطه‌ها هدایت می‌کند و رزق می‌دهد و خلق از این واسطه‌ها درخواست حاجت کنند و ایشان از خدا درخواست کنند، عامل این عمل کافر است و باید توبه داده شود و اگر توبه نکرد باید کشته شود. اینان خدا را به خلقتش تشبیه کرده و برای خدا شریک قرار داده‌اند.

واسطه‌های بین پادشاهان و مردم، یکی از این سه دسته‌اند:

۱. یا این واسطه‌ها از احوال مردم چیزهایی می‌دادند که این پادشاه نمی‌داند، که اگر کسی بگوید خداوند احوال بندگان را نمی‌داند تا این که به وسیله این واسطه‌ها آگاهی یابد، کافر است.

۲. یا این که پادشاه از تدبیر کار رعیت و دفع دشمنانش عاجز است مگر به کمک یارانی که کمکش کنند؛ در حالی که خداوند یار و پشتوانه‌ای نمی‌خواهد.

۳. این که پادشاه سود رعیتش را نمی‌داند و نمی‌خواهد به آنها ترحم و احسان کند مگر به واسطه یک محرکی از بیرون. پس وقتی کسی پادشاه را نصیحت و راهنمایی کند، اراده پادشاه تحریک می‌شود این کار را انجام دهد و قصد برآوردن حوائج رعیت را می‌کند و این امر به خاطر تأثیر کلام ناصح و واعظ در قلبش یا به خاطر میل و رغبت یا ترس از کلام او است؛ در حالی که خداوند ربّ همه چیز و ارحم الراحمین بندگان است (ابن تیمیه، ۱۹۹۵م، ۱، ۱۲۵).

پاسخ:

ابن تیمیه، در این استدلال مقایسه‌ای انجام داده است و آن این که علمای شیعه که به وساطت اهل بیت (ع) و اولیا بین خدا و خلق در حوائج و رزق و نفع قائل اند، این واسطه‌ها را جزء هیچ کدام از این سه قسم نمی‌دانند؛ بلکه قائل اند به این که اولاً خود خدا دستور داده است به درگاه او وسیله بجویم (سوره مائده (۵) آیه ۳۵) و از اولیای او درخواست حاجت کنیم (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۸) و این دستور خدا به خاطر حکمت‌هایی است که ما در فصل «فواید و آثار واسطه‌ها» آنها را به صورت مفصل توضیح دادیم.

ثانیاً این استدلال ابن تیمیه در ردّ واسطه‌ها خلاف صریح آیات قرآن است؛ زیرا او باید این استدلال را درباره واسطه‌گری فرشته‌ها در تدبیر نیز بگوید.

ثالثاً اگر این استدلال وی صحیح باشد، چرا خداوند به واسطه حضرت عیسی (ع) حوائج مردم را برآورده می‌کرد؟ آیا خدا ناتوان بود یا بی‌خبر یا صلاح مخلوقاتش را نمی‌خواست؟

رایعاً در ادامه این بحث، ابن تیمیه مثالی می‌زند به این که جایز است کسی به برادر مؤمن بگوید برایم دعا کن؛ لکن دعا کننده به اذن خدا دعا می‌کند.^{۱۰} این نیز قسم دیگری از واسطه‌گری مؤمن برای مؤمن است و با استدلال او در تضاد است؛ چون همان طور که به کرات می‌گوید، مگر خدا نزدیک‌ترین شخص به آدم نیست؛ چرا سراغ دیگران برویم؟ مگر خداوند صدای ما را نمی‌شنود یا صلاح ما را نمی‌خواهد که به برادر مؤمن بگوییم؟!

نتیجه‌گیری

تحلیل و تبیین عقلی بحث واسطه‌ها از نگاه عقل و فلسفه زیربنایی بسیاری از مباحث اعتقادی است و حل مباحثی زیادی از آن از جمله بحث شفاعت، توسل و شرک و همچنین تدبیر امور به واسطه ملائکه و بحث وساطت اهل بیت (ع) منوط به فهم درست این بحث است.

فایده دیگر این بحث آن است که بحث واسطه‌گری اسباب و علل مادی نیز تبیین می‌شود و انسان می‌فهمد اگر بخواهد مشکلی را از سر راه خود بردارد، باید به واسطه‌گری اسباب و علل مادی توجه و به آنها نیز تمسک کند.

منابع

قرآن کریم

۱. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳ هـ ق) من لا یحضره الفقیه ج ۲، انتشارات جامعه مدرسین، قم.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۳ هـ) الاصول من الکافی، دار الکتاب الاسلامیه چاپ هفتم
۳. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ هـ)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی،
۴. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ هـ) بحار الانوار، موسسه الوفاء بیروت،
۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۲۲ هـ)، نه‌ایه الحکمه، موسسه نشر اسلامی، چاپ ۱۶
۶. شیرازی، صدر الدین، (۱۴۲۰ هـ) کتاب المشاعر، موسسه التاریخ العربی، چاپ اول
۷. جمعب از نویسندگان، (۱۴۲۶ هـ) معجم الوسیط، موسسه الصادق، چاپ بنجم
۸. قدسی، سید محی‌الدین، (بی تا) ملائکه در قرآن، استاد راهنما، دکتر احمد بهشتی، دانشگاه اسلامی

فسا

۹. سبزواری ملا هادی، (بی تا) شرح المنظومه، تحقیق، حسن زاده املی، نشر ناب، چاپ اول
۱۰. شیرازی، صدر الدین، (۱۳۸۳ ش) شرح اصول کافی، پژوهشگاه علوم انسانی،
۱۱. سبزواری، ملا هادی، (بی تا) شرح الاسماء الحسنی، منشورات مکتبه بصیرتی قم
۱۲. ابن عربی، محیی‌الدین، (بی تا) الفتوحات المکیه، دار احیا التراث العربی،

۱۳. ابن تیمیة الحرانی، أحمد بن عبد الحلیم، (۱۴۱۶ق)، مجموع الفتاوی، مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.

۱۴. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۷۸ ش)، آموزش فلسفه، نشر بین الملل سازمان تبلیغات، چاپ اول،

۱۵. شیرازی، صدر الدین، (۱۳۸۳) الحکمه المتعالیه فی الاسفارالعقلیه الاربعه دار احیاء التراث العربی، بیروت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی